



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۱/۰۶

داکتر صالح الدین سعیدی

هر جنبش رهایی بخش ملی است؟

جواب کوتاه به این سوال کاملاً روشن و ساده نه است اما دلایل این جواب ساده در شرایط امروز چه و کدامها اند؟ آیا هر تلاش بشری برای کسب پول و معیشت انسانی که به ذات خود تلاش بشری است؟ جواب باز هم نه و ساده است.

تلاش دزد و سارق، تلاش طرار (در حضور مالک با استعمال تشدد و فرار به ربودن مال کس پرداختن) و نباش (کفن کش) و دهها مورد و حالت دیگر اند که در یک لحظه تلاش به مفهوم کسب نفقه درست و در لحظه کسب نفقه به هر قیمت، افراطی و قدم مضر، نا جایز و ممنوع اند.

از دهها مورد یک مورد دفاع خودی را بگیریم. متخلف و سارق به خانه داخل شد و شما بیدار شدید و فیر کردید. حق شما و از خود دفاع کردید، واخذه نه دارد. فیر کردید متجاوز و سارق به زمین افتاد و ناتوان شد و شما نزدیک رفته با فیر دیگر متخلف و متجاوز را کشتید، دیگر مدافع نه بلکی قاتل شدید و مورد مواخذه قانون، وجدان و الهی شدید. عین قضیه در حالت پولیس و اسیر است که بعد از تسلیمی کشته میشود که ازین پولیس قاتل میشود و با وی مانند قاتل برخورد میشود.

به میدیا دیدیم که گروه مسلح تحت زیر بیرق جنبش و تحریک طالب پوسته نظامی را مجبور به تسلیم و صدا میزند تسلیم شوید، فیر نمی کنیم، سرباز تسلیم میشود ولی صدای دیگر در ویدیو صدا میزند " قاری صاحب گفته: زنده نیاورید! همه را بکشید! و صدای فیر و انسان کشته میشود. پدر، برادر، شوهر و هموطن کشته میشود. این قتل، غدر و غیر اسلامی و غیر انسانی است. غدر خیانت در تعهد و توافق گناه کبیره است. این بدان معنا هم نیست که دیگران غدر نه کرده اند. اما هر که کرده ویا میکند حرام و عمل ناجایز و غیر انسانی است.

و اما تأکید اینکه خارجی ها از افغانستان خارج شوند، مذاکرات صلح بین الافغانی باشد و ملت مرجع مشروعیت است که عالم و مفتی دینی با پیشنهاد جامعه ملت را در انتخاب مساعدت میکند، حاکمیت به اساس خواست همه را خواهانیم و... **اما در عمل:**

- در توافق بین الافغانی اساس توافق عوض اصول اسلامی و اساس اسلام و توافق افغانها به اساس گرفتن توافق امریکا با یک گروه از طالب عمل صورت گرفتن تأکید میشود و است.

-حاکمیت ملت افغان است ولی در عمل من خود به اختیار خود شورا میسازم و همین شورای انتصابی من همه چیز مربوط به صلاحیت شان است.

-خارجی ها بیرون شوند ولی ملیشه های پاکستان و ایران را کس تضمین عدم مداخله نمی دهد.

- و بلاخره اعتقاد به اینکه حق باکسی است که در جنگ غالب شود (الحق لمن غلب). روش وفهم کاملاً خطاء، نادرست و اغوا کننده بود و است.

-به قادر و توانا بودن الله (ج) باور داریم و میدانیم که اگر الله (ج) خواسته باشد که بگوید شو، میشود(کن فیکن) و انسان زمانی پاداش الهی را دارد که خود انتخاب کند ولی امر به کشتن، بستن، و انفجار تا مردم را به به زعم خویش به حور و غلمان رسانند و آنها تا حال به این حور و غلمان رسیدن نمی خواهند و اگر تحمیل کنند، چون انتخاب نه کرده اند، به جنت و پاداش خوب نه خواهند رسید، پس چرا بگشند و قتل کنند؟ ما میدانیم که وظیفه و رسالت ما رساندن حق است و هدایت به دست الله و انتخاب بنده است. (عبس و تولى ان جاه الاعمى) اما این همه موارد و دهها مورد دیگر که راه گم کرده اند و به تخلف و جنایت میپردازند. با چنین افکار و اندیشه های رهایی بخش بودن و شدن در تناقض است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

به یقین یک بحث حقوقی دیگر درین رابطه نیز مهم است که به نحوی به این بحث به صورت قیاسی و حتی مستقیم رابطه دارد. هر که ادعای رهایی بخش کند و مشروعیت آنرا نداشته و در عمل خلاف آن عمل کند یک دروغ و کذب اغوا کننده بیش نیست و ملت حقایق را میداند اما ناتوان است. و یا هم انتخاب دیگر هم از خود خطاء های غیر قابل قبول دارد. ملت قربانی است.

به یقین این بحث حقوقی تصرف در مال غیر بدون اجازه مالک مال است. تعیین تکلیف و نسخه برای ملت بدون پرسیدن از ملت عمل نادرست و نامشروع و عمل فضولی است عمل فضولی تصرف در مال دیگران بدون اجازه وی و در فقه اسلامی این عمل فضولی از همان نقطه صفری باطل و هیچ اثر قانونی بر آن مرتب نمی شود. اگر شورای امنیت ملل متحد، جامعه اروپا، پاکستان و یا من چنین تعیین تکلیف میکنم که ملت چه را انتخاب کرده میتواند و چه را نه و حق ملت را در انتخاب از نزدش میگیرم و لو نسخه من درست هم باشد، تصرف در مال غیر، عمل فضول و کار گستاخانه است که اگر این تجویز و سفارت تحمیل به این سبک باشد که ما اجازه نمی دهیم که امارت اسلامی در افغانستان قایم شود. اگر گروهی به نام طالب حاکمیت امارت اسلامی تأکید و تحمیل دارد که این را قبول کنید ورنه تحمیل میکنیم روش و کار فضول است و از همان نقطه صفری (در همان دوحه و قطر) باطل است.

هر حرکت مسلحانه و تشدد و هر جنبش به این نام جنبش مدعی رهایی رها بخش نیست اگر عملش در خلاف ادعایش باشد و بر ملت افکار و اندیشه های خویش را به زور و جبر تحمیل کردن میخواهد و قولش با عملش در تناقض است!

الهی ما را هدایت نیکی کن - آمین یارب العالمین.

داکتر ص. سعیدی